

متن پرسش

سلام علیکم: خدا قوت، استاد بزرگوار؛ ۱. یکبار از شما پرسیدم که هر عالمی راهی را پیشنهاد می کند که خودش در آن سلوک داشته و ما در این میان نمی دانیم کدام را انتخاب کنیم و شما پاسخ دادید: « مطمئن باشید همه ی راه هایی که در ذیل اسلام و فرهنگ اهل البیت (علیهم السلام) مطرح است به قرب الهی ختم می شود، زیرا همه ی این راه ها می خواهند ما را از امور جزئی آزاد کنند و به حقیقت کلی خودمان که عین ثابتی ما است برسانند» اما راستش نمی توانم این جمله شما را با جمله علامه حسن زاده (روحی فداه) جمع کنم، آنجا که می فرمایند: «به جانم قسم، آنکه خود را از کتب عقلی و صحف عرفان به دور کند، از کتابهایی همچون تمهید القواعد، شرح قیصری برفصوص الحکم، شرح العیون فی شرح العیون، مصباح الانس، شرح محقق طوسی بر اشارات، شرح اسفار، شفا و فتوحیات مکیه، که دستهای نوریه آنها را هدیه نموده اند همانا جان خود را از فهم خطاب محمدی صل الله علیه و آله دور کرده است و آنرا از نیل به سعادت قصوایش محروم ساخته» از این جملات این را می فهمم که بعضی راهها نسبت به بعضی دیگر از شدت بیشتری برخوردارند و طبعاً نتیجه بهتری به دست می رسانند. ۲. حال از کجا تشخیص دهم کدام راه بهتر است؟ آیا معیاری وجود دارد؟ ۳. از کجا باید یقین پیدا کنیم وظیفه ما چیست و در حال حاضر در حال انجام وظیفه خویش هستیم؟ شاید بیست سال بعد بفهمیم که اشتباه کرده بودیم و گمان می کردیم وظیفه مان را انجام می دهیم؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: اگر جان کسی با مباحث عرفانی شکوفا می شود راهی که حضرت استاد آیت الله حسن زاده «حفظه الله» در پیش پای ما می گذارند بسیار کارساز است و اگر کسی با روایات و ادعیه جاننش به شغف می آید نباید آن راه را رها کند مگر آن که برای اُنس با ادعیه نیاز به عقلی دارد که بتواند به کمک آن عقل اشارات روایات و ادعیه را تصدیق کند که در این صورت عرفان نظری کمک می کند. در هر حال وقتی انسان در ذیل قرآن و سنت نبوی و علوی جلو برود در راه اشتباهی قدم نگذاشته که پس از بیست سال پشیمان شود. موفق باشید